



کیومرث اشتریان

نویسندگان و سخنرانان و فعالان سیاسی از حیث تأثیرگذاری اجتماعی، مسئولیت‌های ویژه‌ای دارند. ایفای این مسئولیت بستگی به درک آنان از مسئولیت اجتماعی دارد. این پرسش‌س که نقدهای ما تا چه حد نظام سیاسی و مسئولان را در بر می‌گیرد و تا چه حد به مردم آسیب و آزار می‌رساند مهم است. پرسشی که یک وجدان بیدار باید از خود بپرسد، این است که آیا نقدهای ما سازنده است یا اینکه می‌خواهیم همه‌چیز را بدتر کنیم. آیا دل‌مان می‌خواهد که مردم بیشتر زجر بکشند تا رقیب رسوایر شود یا مرهمی بر زخم مردم باشیم؟ اینکه همه ما گرایشات و علایقی داریم و بر این اساس مخالفان خود را خطاب می‌کنیم طبیعی است اما مشکل اینجاست که گاهی عموم مردم را وجه‌المعامله قرار می‌دهیم و در آنان تنش روانی ایجاد می‌کنیم. نویسندگان و سخنرانان در رسانه‌های اجتماعی می‌توانند در جامعه امیدآفرین باشند و البته می‌توانند التهاب‌آفرینی کنند. چندی‌پیش یک «کلیپ» تصویری چنددقیقه‌ای از مصاحبه یک فعال رسانه‌ای با یک کارشناس اقتصادی دیدم که درباره بحران‌های پیش‌روی اقتصاد ایران گفت‌وگو می‌کردند. تصویری که در من از این دو نفر پدید آمد (امیدوارم که اشتباه کرده باشم) این بود که از اینکه چنین بحرانی پدید آید، لذت می‌بردند و احساس شغف می‌کردند. نگرانی عمیقی در آنان آشکار نبود، گویی از اینکه مردمان به‌دلیل سیاست‌های غلط به زحمت و درس بیفتند، لذت می‌برند. مهم آن بود که رقیب آنان (حکومت باشد یا فلان مقام مسئول) رسوا شود، حال این رسوایی به ضرر مردم باشد مهم نیست؛ به بوی خون دل ریش مردمان سرمست‌شدن نه حکایت جوانمردی است. مهم‌تر آنکه آن سخنان التهاب‌آفرینی و تنش روانی بیشتری در مردمان ایجاد و وضع آنان را وخیم‌تر می‌کرد.

آدمه‌در صفحه ۱۰

امنیت و حریم خصوصی ستون پنهان بانکداری دیجیتال



محمدرضا حسین زاده

مدیرعامل بانک اقتصاد نوین

تحول دیجیتال در نظام بانکی، شیوه ارائه خدمات مالی را به‌طور بنیادین دگرگون کرده است. بانکداری دیجیتال با افزایش سرعت، سهولت دسترسی و کاهش هزینه‌های عملیاتی، به یکی از ارکان اصلی رقابت در بازارهای مالی تبدیل شده است. با این حال، گسترش خدمات به‌خط و اتکای فزاینده به داده‌ها، چالش‌های نوینی را در حوزه امنیت و حریم خصوصی به همراه آورده که در صورت غفلت، می‌تواند ثبات و اعتبار نظام بانکی را با تهدیدی جدی مواجه کند. در بانکداری دیجیتال، اعتماد مشتریان مهم‌ترین سرمایه ناشهود بانک‌ها محسوب می‌شود؛ سرمایه‌ای که در برابر تهدیدهای سایبری به‌شدت آسیب‌پذیر است. افزایش حملات فیشینگ، نفوذ به سامانه‌های بانکی، سرقت هویت و سوءاستفاده از داده‌های مالی نشان می‌دهد مجرمان سایبری همگام با توسعه فناوری، روش‌های خود را پیچیده‌تر و هدفمندتر کرده‌اند. در چنین شرایطی، امنیت دیگر یک موضوع صرفاً فنی نیست، بلکه به مسئله‌ای راهبردی در مدیریت ریسک، پایداری مالی و حتی ارزش‌گذاری برند بانک‌ها تبدیل شده است. هم‌زمان با گسترش همکاری بانک‌ها و شرکت‌های فین‌تک برای ارائه خدمات نوآورانه، سطح جدیدی از ریسک‌های امنیتی نیز پدید آمده است. تجربه جهانی نشان می‌دهد سهم قابل توجهی از نشت و افشای اطلاعات بانکی در بستر همکاری با بازیگران ثالث رخ می‌دهد؛ رخدادهایی که علاوه بر زیان‌های مالی مستقیم، می‌توانند اعتماد عمومی به سیستم بانکی را تضعیف کنند. از این منظر، مدیریت زنجیره تأمین دیجیتال، ارزیابی مستمر ریسک شرکای فناوریانه و استقرار چارچوب‌های حاکمیت داده به یکی از الزامات کلیدی بانکداری مدرن بدل شده است. در ایران، استفاده گسترده از نرم‌افزارهای نامعتبر و وی‌پی‌ان‌های رایگان، چالش امنیتی مضاعفی را برای بانکداری دیجیتال ایجاد کرده است.

آدمه‌در صفحه ۱۰

یکشنبه ۷ دی ۱۴۰۴
۷ رجب ۱۴۴۷
۲۸ دسامبر ۲۰۲۵
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۲۹۱
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

لبنان در آینه روابط با ایران در سال ۲۰۲۶.
د گفت‌وگویی با محمدعلی مهتدی و ابوالقاسم دلفی

تهران – بیروت در عصر یخبندان؟

عبدالرحمن فتح‌اللهی: هفتم اکتبر بی‌تردید نقطه عطفی در معادلات امنیتی و سیاسی خاورمیانه بود و موجی از بازتعریف نقش‌ها، ائتلاف‌ها و خطوط تماس را به منطقه تحمیل کرد؛ تحولی که لبنان نیز، به دلیل جایگاه خاص خود در معادله مقاومت و توازن‌های شکننده داخلی، از پیامدهای آن مصون نماند. با این حال، آنچه بر پیچیدگی شرایط افزوده، هم‌زمانی این تحولات با استقرار دولتی جدید در بیروت است؛ دولتی که با ریاست‌جمهوری جوزف عون، نخست‌وزیری نواف سلام و وزارت خارجه یوسف رجبی، نشانه‌هایی از تغییر رویکرد در سیاست خارجی لبنان را بروز داده است. در چنین بستری، روابط تهران و بیروت وارد مرحله‌ای کم‌سابقه از شکنجگی شده است؛ مرحله‌ای که نه‌صرفاً محصول فشارهای بیرونی، بلکه برآیند تلاقی تحولات منطقه‌ای، بازاریابی قدرت در لبنان و حساسیت‌های فزاینده افکار عمومی این کشور نسبت به نقش بازیگران خارجی است. حواشی هفته‌های اخیر،

گزارش تحقیقی «شرق» از ابهام‌های مالی مجوزهای پرمناقشه و نارضایتی خانواده‌ها از یک سازمان مردم نهاد

در انجمن اتیسم چه می‌گذرد؟

صفحه ۸

مناظره نمی‌کند، محاکمه هم نمی‌شود



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

همان‌طور که انتظار می‌رفت، پاسخ مثبت چندی‌پیش سعید جلیلی به دعوت برای مناظره از سوی حسن روحانی، رئیس‌جمهور اسبق کشورمان، موجب نشد که چنین مناظره‌ای برگزار بشود و همین امر به این شایبه در اذهان عموم دامن زد

که جلیلی اهل مناظره نیست و این اعلام آمادگی فقط اقدامی نمایشی بوده است. هرچند در چنین مناظره‌ای البته اگر روزی برگزار بشود، موضوعات و پرونده‌های متعددی باید مورد بحث قرار بگیرد، اما بی‌تردید مناظره در باب پرونده کرسنت یکی از جدی‌ترین مطالبات اصحاب رسانه و کارشناسان و تحلیلگران است. پرونده کرسنت به‌راستی موردی عجیب است. مدیران اجرایی قراردادی بسته‌اند که گاز تولیدشده از فلان میدان نفتی را که سوزانده شده و هدر می‌رود، به یک شرکت خارجی بفروشند. نهاد ناظر بر این قرارداد ایراد می‌گیرد که خریدار با پرداخت

رشوه قیمت پایینی را به طرف ایرانی تحمیل کرده است. اجرای قرارداد کاربررد این شرکت‌ها در سطح شکایت کرده و جریمه‌ای هنگفت از طرف ایرانی می‌گیرد. اما نکته شنیدنی ماجرا این است که از یک سو ادعای ارزان‌فروشی به لحاظ منطقی زمانی ارزش

بررسی می‌یابد که در همان زمان مشتری به‌اصطلاح دست‌به‌نقدی وجود داشته باشد. در غیراین‌صورت چنین ادعایی تا سطح یک کارشنکشی و به‌اصطلاح چوب لای چرخ مدیران اجرایی گذاشتن سقوط می‌کند. از سوی دیگر زیان‌باربودن یک قرارداد لزوماً توجیه درستی برای فسخ آن نیست، زیرا ممکن است خسارت ناشی از فسخ بیشتر از زیان اجرای قرارداد باشد. سعید جلیلی به‌عنوان عامل اصلی جلوگیری از اجرای قرارداد تاکنون نه مستنداتی درمورد وجود پیشنهاد بالاتر ارائه کرده و نه برآورد خود را از دو متغیر مهم (خسارت ناشی از فسخ و زیان ناشی از اجرا) اعلام کرده که بتوان اقدام ایشان به جلوگیری از اجرای قرارداد را موجه تلقی کرد. در دوران انتخابات ریاست‌جمهوری و در پاسخ به سخنان ایشان درمورد پرونده کرسنت، زنکته وزیر اسبق نفت او را به مناظره دعوت کرد، اما جلیلی با این پاسخ که جای متهم بر سر میز مذاکره نیست، از مناظره طفره رفت. بعدها در

پاسخ به دعوت حسن روحانی هم به او توصیه کرد با یک دانش‌آموز مناظره کند! اما عاقبت ناگزیر شد به صورت ظاهری مناظره را بپذیرد. مروجی بر گفته‌ها و مواضع سعید جلیلیی درمورد پرونده کرسنت و همچنین بسیاری از پرونده‌های مطرح دیگر، به‌خوبی هر ناظر منصفی را به این باور می‌رساند که او اهل

۲- حتی اگر رسانه‌های داخلی درباره این پرونده سکوت بکنند، رسانه‌های دشمنان ایران به بهترین نحو از این میجث به‌عنوان یک حربه تبلیغی علیه نظام استفاده خواهند کرد و اتفاقاً سکوت رسانه‌های داخلی حربه دشمنان را تندتر و پرندتر می‌کند.

آدمه‌در صفحه ۸

روزنامه شرق

گفت‌وگوی احمد غلامی با نگاراسکندرفر

تولد کارنامه در کانون بحران

پای مقاله بیضایی ایستادم

۶



مرگ بهرام بیضایی در زادروزش

نوای شادی و غم هر دورا بسرایید

این گزارش را در صفحه ۱۲ بخوانید. عکس: میلاد پیاپی شرق

طرح «من شهردارم»؛ کاریکاتور مشارکت اجتماعی



علی پیرحسین‌لو

فعال سیاسی

یکی از روشن‌ترین نشانه‌های عقبگرد در دوره ششم شورای شهر تهران، حذف آگاهانه نهادهای مشارکت محلی انتخابی و بی‌عملی‌عامدانه در قبال شوراییاری‌ها بود. نهادهی که با وجود ضعف‌ها و چالش‌های حقوقی که داشت، بیش از دو دهه به‌عنوان تنها تجربه نیم‌بند مشارکت محله‌ای انتخابی در تهران عمل کرده بود. این بی‌عملی، بیش از هر چیز، نشانه بی‌اعتمادی عمیق متصدیان این دوره به مشارکت سازمان‌یافته شهروندان است.

با این حال، از سال ۱۴۰۰ به بعد که ازقضا شورا، شهرداری و اغلب نهادهای تصمیم‌گیر هم‌راستا بودند، نه‌تنها هیچ تلاشی برای حل مشکل قانونی شوراییاری‌ها صورت نگرفت، بلکه عملاً این نهاد به حاشیه رانده شد. در عوض، تلاش شد نهادهای انتصابی، از بالا به پایین و کنترل‌شده ایجاد شود؛ در قالب‌هایی همچون هیئت‌امنای محله، قراگاه‌های محله‌محور، مجمع نخبگان محلات، شبکه معتمدین، شوراهای شورتی و اخیراً یک طرح نمایشی و البته پرهیاهو به نام «من شهردارم». این طرح برخلاف آنچه تبلیغ شده است، نه یک برنامه مشارکتی نوآورانه، بلکه جایگزین نمایشی فقدان نهادهای واقعی مشارکت است. طرحی که فرم مشارکت را حفظ می‌کند، اما محتوا، قدرت و معنا را از آن تهی می‌سازد. شهروند در این طرح نه مسئله را تعریف می‌کند، نه درباره اولویت‌ها چانه‌زنی می‌کند و نه امکان نظارت دارد؛ او صرفاً میان گزینه‌هایی رای می‌دهد که از پیش، در جایی بیرون از محله و خارج از اراده جمعی شهروندان طراحی شده‌اند. هفته گذشته، اجرای دور چهارم «من شهردارم» با تبلیغاتی گسترده سابق به فساد و اهمال است، یا متهم‌شدن گروه دیگر به کارشکنی غیرمسئولانه، پس بهتر است از خبر آن بگذریم و بهتر است این پرونده همچنان مسکوت بماند. اما این نگاه مصلحت‌اندیشانه به دلایل زیر از استحکام کافی برخوردار نیست:

۱- برگزاری‌نشدن این مناظره کمکی به مسکوت‌ماندن پرونده نمی‌کند، زیرا اخبار مربوط به محکوم‌شدن طرف ایرانی به پرداخت غرامت و تملک دارایی‌های ارزشمند کشورمان گاه‌وب‌گاه منتشر می‌شود و داغ دل ایران‌دوستان را زنده می‌کند.

سکوت بکنند، رسانه‌های دشمنان ایران به بهترین نحو از این میجث به‌عنوان یک حربه تبلیغی علیه نظام استفاده خواهند کرد و اتفاقاً سکوت رسانه‌های داخلی حربه دشمنان را تندتر و پرندتر می‌کند.



گفت‌وگوی احمد غلامی با نگاراسکندرفر

تولد کارنامه در کانون بحران

پای مقاله بیضایی ایستادم

۶

توفیق کامبوج و تایلند برای آتش بس

تاریکی در پایتخت اوکراین بیش از سفر سرنوشت‌ساز زلنسکی به آمریکا پیام موشکی پوتین برای نشست مارآلاگو

۵

شب توفانی فوتبال ایران زنوزی ادعای مطرح‌شده را ثابت می‌کند؟

۹

هم‌زمان با جهش هزینه‌ها و استهلاک ایرلاین‌های کشور، دولت در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ نرخ سوخت هواپیما را دوبرابر کرد؛

اقتصاد زمین‌گیر شرکت‌های هواپیمایی

۴

در نعت اصغر عبداللّهی جنگل هوشیار

۱۱

ایران مال بدون سند، وثیقه چندصدهمتی بانک مرکزی

یادداشتی از مجتبی راعی

۴

نقد گفتمانی دولت



روزنه کردونی

سیاست‌پژوه

مسئله این یادداشت، مبارزه با «فساد» به‌عنوان یک پدیده یا موضوع مهم در سیاست عمومی نیست؛ مسئله، غیبت گفتمان مبارزه با فساد در دل گفتمان عدالت‌محور رئیس‌جمهور پزشکیان است. تمرکز این نقد نه بر ابزارها، نه بر راه‌حل‌ها و نه بر دستورکارهای اجرایی، بلکه بر زبان، چارچوب معنا و منطق سخن‌گفتن قدرت است. این نقد را نخستین‌بار دکتر ظریفان عزیز در گفت‌وگویی درباره الزامات ارتقای سرمایه اجتماعی دولت دکتر پزشکیان مطرح کرد؛ نقدی واقع‌بینانه و مصلحانه. واقعیت این است که گفتمان مسعود پزشکیان، به‌روشنی گفتمان عدالت است؛ عدالت اجتماعی، عدالت در توزیع، عدالت در شنیدن صداها و عدالت در اخلاق سیاسی. این گفتمان از نظر ارزشی منسجم و قابل دفاع است. اما درست در همین چارچوب، یک خلأ معنادار دیده می‌شود: عدالت بدون صورت‌پذیری صریح ضد فساد. در منطق گفتمانی، آنچه گفته نمی‌شود، گاه مهم‌تر از آن چیزی است که گفته می‌شود. وقتی عدالت به‌طور مداوم تکرار می‌شود، اما موضوع مبارزه با فساد – به‌عنوان «نقیض عدالت» – در مرکز زیان سیاسی قرار نمی‌گیرد، یک جابه‌جایی معنایی رخ می‌دهد: عدالت از یک مفهوم تضادساز، به یک ارزش آشتی‌جویانه بدل می‌شود؛ عدالت بدون دشمن. در این چارچوب، عدالت دیگر در برابر رانت، امتیاز، شبکه و تبعیض قرار نمی‌گیرد؛ بلکه به مفهومی اخلاقی، عام و کم‌تنش تبدیل می‌شود که می‌تواند بدون هزینه سیاسی پذیرفته شود.

آدمه‌در صفحه ۱۰

همکار گرامی جناب آقای علی صالحی

مصیبت وارده را تسلیت عرض می‌کنیم.از خداوند سبحان برای آن مرحوم غفران و برای شما و سایر بازماندگان صبر آرزومندیم.

روزنامه شرق

م‌الف ۳۵۱۹

شناسه آگهی ۲۰۷۵۶۹۳

رجوع به صفحه ۳

سازمان خیریه‌های اسلامی
RAHMAN FOUNDATION ORGANIZATION

نوبت دوم

«خلاصه آگهی عرضه عمومی»

شناسه آگهی ۲۰۷۵۶۹۳

رجوع به صفحه ۳

م‌الف ۳۵۱۹